

Institutional-behavioral approach to economic policy making and implications for Iran

Ali Nikoonesbati : Ph.D. Student of Economics, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abbas Assari Arani¹: Associate Professor, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Farshad Momeni, Professor of Economics, Department of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Lotfali Agheli, Associate Professor Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The challenges of policy making in the current evolving world have caused the idea of presenting hybrid models to analyze the causes of policy success and failure should be considered in recent years. Studies show that institutional and behavioral approaches face challenges in adequately explaining policy failure. The institutional approach does not provide an adequate explanation for policy mistakes in a democratic structure, and the behavioral approach cannot adequately explain the lack of policy reform despite nudges. To overcome these challenges, a new model for explaining policymaking has been proposed, relying on two institutional-behavioral approaches, which emphasizes the importance of institutions, heuristics, and the institutional structure in the success or failure of policymaking.

Using the comparative analysis method, indicators and policies in Iran in the housing and health sectors were examined. The share of housing and health costs in total urban household expenses in Iran is almost twice the global average, which means a failure of policymaking. The reason for this failure is, on the one hand, the gap between the country's institutional structure and the democratic system, which has a negative impact on the quality of policymaking. In addition, cognitive bias can be seen due to availability heuristics in both housing and treatment sectors. In fact, the policy maker simply assumes that he can improve the conditions by using resources and increasing supply. Also, the policymaker neglects the effective laws and rules (institutions) in each sector, which is also very effective in the failure of policies.

Keywords: Policymaking, Institutional-Behavioral Approach, Iranian Economy, Housing, Health

JEL Classification: H0,N40,R38

¹. Corresponding Author, assari_a@modares.ac.ir

رویکرد نهادی-رفتاری به سیاست‌گذاری اقتصادی و دلالت‌هایی برای ایران^۲

علی نیکونستی: دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ایران

دکتر عباس عصارای آرانی^۳: دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ایران

دکتر فرشاد مومنی: استاد تمام دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

دکتر لطفعلی عاقلی: دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ایران

چکیده

چالش‌های پیشروی سیاست‌گذاری در دنیای در حال تحول کنونی باعث شده است در خلال سال‌های اخیر ایده ارائه مدل‌های ترکیبی برای تحلیل علل موفقیت و شکست سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد رویکردهای نهادی و رفتاری با چالش‌هایی درخصوص تبیین مناسب شکست سیاست‌گذاری مواجه هستند. رویکرد نهادی تبیین مناسبی از اشتباهات سیاست‌گذاری در یک ساختار دموکراتیک ارائه نمی‌نماید و رویکرد رفتاری نمی‌تواند عدم اصلاح سیاست‌گذاری با وجود تلنگرها را به خوبی تبیین نماید. برای غلبه بر این چالش‌ها، با اتکاء به دو رویکرد نهادی-رفتاری الگوی جدیدی برای تبیین سیاست‌گذاری ارائه شده است که بر اهمیت نهادها، میان‌برهای ذهنی و کل ساختار نهادی در موفقیت یا شکست سیاست‌گذاری تاکید می‌نماید.

مبانی بر الگوی ترکیبی فوق و با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌ها و سیاست‌ها در ایران و کشورهای منتخب در دو بخش مسکن و سلامت بررسی شد. سهم هزینه مسکن و سلامت از کل هزینه‌های خانوارهای شهری در ایران تقریباً دو برابر میانگین جهانی است که به معنی شکست سیاست‌گذاری است. دلیل این شکست از یکسو فاصله ساختار نهادی کشور با نظام دموکراتیک است که بر کیفیت سیاست‌گذاری اثر منفی دارد. از سوی دیگر سوگیری شناختی به دلیل میان‌بر ذهنی دسترس‌پذیری در دو بخش مسکن و سلامت قابل مشاهده است. درواقع سیاست‌گذار به سادگی فرض

می‌کند با تزریق منابع و افزایش عرضه می‌تواند شرایط را بهبود بخشد. همچنین سیاست‌گذار از قوانین و قواعد (نهادها) اثر گذار در هر بخش غفلت می‌نماید که این امر نیز در شکست سیاست‌ها بسیار اثرگذار است.

کلمات کلیدی: سیاست‌گذاری، رویکرد نهادی-رفتاری، اقتصاد ایران، مسکن، سلامت

JEL: H0,N40,R38

۱- مقدمه

در خلال سال‌های اخیر و با بررسی شواهد آماری، این اجماع در میان اندیشمندان توسعه حاصل آمده است که دستیابی به اهداف اقتصادی مانند رشد اقتصادی پایدار یک امر استثنایی است. به عنوان مثال لین^۴ (۲۰۱۲) با اتکاء به شواهد آماری بیان می‌دارد: «تقریباً سه چهارم کشورهای که در سال ۱۹۶۰ در جایگاه درآمد متوسط بودند در سال ۲۰۰۹ یا وضعیتشان بدتر شده بود یا به گروه کشورهای با درآمد پایین سقوط کرده بودند» (Lin, 2012). این در حالی است که بسیاری از این کشورها برنامه‌های بلندپروازنه برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار داشته‌اند. عدم دستیابی به اهداف برنامه‌ها در ایران چنان متداول شده است که برخی به مفید بودن برنامه‌ریزی در ایران با تردید می‌نگرند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱).

برای تبیین دلایل عدم موفقیت در دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری انواع نظریه‌ها و مدل‌ها ارائه شده است. در نظریه اقتصادی مدل‌های رشد برونزا جای خود را به مدل‌های درونزا داد اما عجم اوغلو و همکارانش^۵ (۲۰۰۵) در اظهار نظری تامل برانگیز بیان می‌دارند: «اگرچه در برخی از تلاش‌های علمی صورت گرفته در زمینه نظریه رشد، بر اهمیت سیاست‌های اقتصادی

^۲. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس است.

^۱. نویسنده مسئول assari_a@modares.ac.ir

^۴. Lin, J.

^۵. Acemoglu, D., et al.

مانند مالیات‌ها، دادن سوبسید به تحقیقات، موانع موجود بر سر راه پذیرش تکنولوژی و سیاست‌های سرمایه‌انسانی تأکید می‌شود، اما در این تلاش‌های علمی عموماً این مسئله تبیین نمی‌شود که چرا این تفاوت‌ها در سیاست‌های کشورهای مختلف وجود دارد» (Acemoglu, et al 2005). ضمن آنکه علاوه بر سیاستگذاری بحث اجرا نیز باید مد نظر قرار گیرد (North, 1990). به عبارت دیگر برای تبیین دلایل عدم موفقیت در سیاستگذاری باید از بحث میزان موجودی بهینه سرمایه‌انسانی و فیزیکی فراتر رفت و دامنه گسترده‌تری از عوامل را مورد بررسی قرار داد.

البته اقتصاددانان در این زمینه تلاش‌هایی را انجام داده‌اند. مدل انتخاب عمومی از جمله این مدل‌هاست که ریشه در نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک دارد (دای، ۲۰۱۶). همچنین مدل‌های چرخه‌ای از دیگر مدل‌هایی است که اندیشمندان سرشناسی مانند تودارو و اسمیت^۶ (۲۰۱۵) از آن استفاده می‌نمایند. اما این مدل‌ها با انتقاداتی از جمله عدم انطباق با دنیای واقعی روبروست و در نتیجه در خلال سال‌های اخیر استفاده از مدل‌های ترکیبی بسیار رواج یافته است (تیسن و واکر، ۱۳۹۴). هدف از ارائه مدل‌های ترکیبی افزایش قدرت تبیین است. به عبارت دیگر بتوان تبیین نمود که چرا «اهداف غیر واقعی»، «عدم توجه به بودجه مورد نیاز»، «اهداف تکراری» و موارد مشابه وجود دارد و تنها به فهرست نمودن این موارد به عنوان دلایل شکست برنامه‌ها اکتفاء ننمود. اما ترکیب کدامیک از مدل‌ها به این هدف منجر می‌شود؟ فواید این امر چیست؟ چه دلالت‌هایی برای ایران دارد؟ پاسخ به این سوالات از اهداف تدوین این مقاله است.

با توجه به مباحث فوق در ادامه ضمن بررسی اجمالی رویکردهای سیاست‌گذاری، مدل نهادی و رفتاری و دلالت‌های آنها برای سیاستگذاری معرفی و سپس فواید ترکیب مدل نهادی و رفتاری بررسی می‌شود. بررسی اجمالی سیاستگذاری اقتصادی در ایران بر اساس مدل فوق بخش بعدی است. بخش پایانی به جمع‌بندی و توصیه سیاستی اختصاص دارد.

۲- مبانی نظری

ارائه تعریفی مورد اجماع عمومی از سیاستگذاری و سیاستگذاری عمومی^۷ امری دشوار است. با این حال نگاهی به تعاریف مختلف از جمله دای^۸ (۱۹۷۲)، جنکینز^۹ (۱۹۷۸)، هاوالت و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۰) نشان می‌دهد تعریف هاوالت و کاشوری^{۱۱} (۲۰۲۰) تعریفی فراگیر است که بیان می‌دارد: «سیاست‌گذاری عمومی فرایند سیاسی-اجرایی صورت‌بندی و هماهنگ کردن اهداف دولت با ابزارهای در دسترس برای دستیابی به آنهاست» (Howlett & Cashore, 2020).

تاکنون انواع نظریه‌ها و مدل‌ها برای تبیین علل موفقیت و شکست سیاست‌گذاری‌ها ارائه شده است. گستره این نظریه‌ها و مدل‌ها چنان زیاد است که در میان اندیشمندان در خصوص تقسیم‌بندی آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. اما نگاهی به آثار هاوالت و همکاران (۲۰۲۰)، دای (۲۰۱۶)، تیسن و واکر (۱۳۹۴)، آرارال و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۳) و اندیشمندان دیگر نشان می‌دهد، آنها به نظریه‌ها و مدل‌های زیر به عنوان نظریه‌ها و مدل‌های مهم و اثرگذار در تحلیل سیاست‌گذاری اشاره می‌نمایند.

۱- فرایندی (چرخه‌ای)^{۱۳}، ۲. نهادی^{۱۴}، ۳. نخبگانی^{۱۵}، ۴. تدریجی^{۱۶}، ۵. بازی سیاسی^{۱۷}، ۶. گفتمانی^{۱۸}، ۷. انتخاب عمومی^{۱۹}

۶. Todaro, M. & Smith, S.

۷. فارسی برای اصطلاح policy making از دو معادل سیاستگذاری و خط‌مشی‌گذاری استفاده می‌شود. در رشته مدیریت بیشتر اصطلاح خط‌مشی رواج دارد در حالی که در سایر رشته‌ها از جمله اقتصاد از اصطلاح سیاست و سیاستگذاری استفاده می‌شود.

۸. Dye, T.

۹. Jenkins, W.

۱۰. Howlett, M., et al

۱۱. Howlett, M. & Cashore, B.

۱۲. Araral, E., et al

۱۳. Process model, ۱۴-Institutional model, ۱۵-Elite model, ۱۶-Incremental model, ۱۷-Political Game Model, ۱۸-Discourse model, ۱۹-Public choice model

این مدل‌ها با انتقادات گوناگونی از سوی نظریه‌ها و مدل‌های رقیب و همچنین اندیشمندان مستقل روبرو هستند. در دنیای پیچیده کنونی تحلیل خط مشی باید چند وجهی و همچنین متنوع و متکثر باشد (تیسن و واکر، ۱۳۹۴). با پذیرش این ایده در این مقاله از الگویی ترکیبی استفاده می‌شود که شامل ترکیب رویکرد نهادی-رفتاری است. از جمله دلایل این ترکیب می‌توان به سخن هاوالت و همکاران (۲۰۲۰) اشاره کرد که بیان می‌دارند: «موفق‌ترین سنتز که وزن زیادی به اثر نهادها بر رفتار افراد و گروه‌ها می‌دهد و اثرات متقابل آنها بر نهادها را مد نظر قرار می‌دهد، انواع مدل‌های نهادگرایی جدید است، اما این نظریه‌ها عموماً در بررسی فرایندهای سیاستگذاری و اینکه چگونه تعامل با سایر متغیرها بر محتوی سیاست اثر می‌گذارد شکست می‌خورند» (Howlett, 2020). در این میان رویکرد رفتاری با بررسی فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کمک بزرگی به رفع این چالش رویکرد نهادی می‌نماید و علت تلاش برای ارائه الگویی ترکیبی مبتنی بر دو رویکرد فوق نیز همین بوده است. البته دلایل دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۱- رویکرد نهادی به سیاستگذاری

توجه به نهادها در حوزه سیاستگذاری در قالب مسائلی مانند ظهور سازمان‌های رسمی، نظام‌های رفاهی، قضایی و آموزشی، احزاب سیاسی، سازمان بین‌المللی و مباحث نظام اداری سابقه طولانی در علوم سیاسی و اجتماعی دارد، اما در دهه ۱۹۸۰ با رشد نهادگرایی جدید مباحث نهادی در عرصه سیاستگذاری بیشتر مورد توجه قرار گرفت (تیسن و واکر، ۱۳۹۴).

در عرصه سیاستگذاری اندیشمندان نهادی جدید بر این مساله تاکید می‌نمایند که رفتار کنشگران (افراد و سازمان‌ها) تحت تاثیر نهادها و ساختار نهادی است. نحوه اثرگذاری چارچوب نهادی بر کنش فردی و جمعی نیز از طریق انگیزه‌هایی است که ایجاد می‌کند. در واقع «نهادها با پدید آوردن ساختار انگیزشی که رفتار انسانی را هدایت می‌کند تعاملات انسانی را ساختارمند می‌کنند» (North, 1990). البته مساله مهم در این میان توجه به کل ساختار نهادی است. نورث و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۹) در بررسی خود، کشورها را به دو گروه با دسترسی محدود (غیردموکراتیک) و با دسترسی آزاد (دموکراتیک) تقسیم می‌نمایند. به اعتقاد آنها در نظم با دسترسی آزاد رقابت میان ایده‌ها باعث می‌شود این کشورها در مجموع رشد اقتصادی پایدارتری را تجربه نمایند (North et al, 2009). عجم اوغلو و رابینسون^{۱۵} (۲۰۱۲، ۲۰۱۹) با تاکید بر مفهوم نهادهای فراگیر و بهره‌کش چنین بحثی را مطرح می‌نمایند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۹).

مبتنی بر این رویکرد لازمه موفقیت در سیاستگذاری اصلاح ساختارهای کلان و حرکت به سمت ساختار دموکراتیک است و اصلاحات جزئی از بهبود حقوق مالکیت تا محیط کسب و کار یا اعطاء آزادی سیاسی هرچند مفید است اما ناکافی است. اما چالش اساسی در پیشروی این تبیین شواهد تاریخی است. سوال اساسی آن است که چرا کشورهایی با ساختار دموکراتیک شکست می‌خورند و حتی کل ساختار فرو می‌پاشد؟ لویتسکی و زیبلات^{۱۶} - دوتن از اساتید دانشگاه هاروارد بیان می‌دارند که قانون اساسی آلمان توسط بزرگ‌ترین حقوقدانان این کشور در سال ۱۹۱۹ تدوین شد و بسیاری آن را برای ممانعت از سوء استفاده از قدرت، کافی می‌دانستند. اما با به قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳، هم قانون اساسی آلمان و هم حاکمیت قانون به سرعت فروپاشید (لویتسکی و زیبلات، ۱۳۹۸). فروپاشیدن قانون اساسی حتی در آمریکا نیز وجود داشته است که مثال بارز آن جنگ داخلی آمریکاست که بیش از ششصد هزار کشته بر جای گذاشت (همان، ۱۶۵). موارد فوق نشان می‌دهد که احتمال فروپاشی ساختار کلان دموکراتیک نیز وجود دارد.

14. North, D., et al.

15. Acemoglu, D. & Robinson, J.

16. Levitsky, S. Ziblatt, D.

نورث به عنوان پیشگام رویکرد نهادی کلان در برخی از آثار خود کوشید با استفاده از نظریه‌های شناختی و رفتاری این مساله را تبیین نماید. به عنوان مثال در خصوص بحران شوری سابق بیان می‌دارد: «نظام باورهای اولیه تحت فشار بحران‌های مستمر انقلاب، جنگ داخلی و قحطی بود و پاسخ‌های موردی به هر یک از بحران‌های جدید می‌داد. امری که نشان می‌داد باورها بازتابی از درک بسیار ناقص و ابتدایی بازیگران از ساختار بنیادی عملکرد اقتصادی هستند و حتی درک ابتدایی‌تر آنها از ساختار انگیزشی لازم برای دستیابی به اهدافشان است» (North, 2005). بر این اساس نورث بر لزوم توجه به علوم شناختی برای تبیین بهتر تحولات اقتصادی تاکید می‌نماید (North, 2005). این تلاش نورث به خوبی نشان می‌دهد که لازم است با استفاده از رویکرد رفتاری قدرت تبیین نظریه‌های نهادی را افزایش داد.

۲-۲- رویکرد رفتاری

واژه اقتصاد رفتاری اولین بار در سال ۱۹۵۸ برای اشاره به لزوم توجه به مباحث روانشناسی در اقتصاد به منظور افزایش قدرت تبیین آن مورد استفاده قرار گرفت (Angner, 2012). با وجود این قدمت، تاکنون تعریفی از اقتصاد رفتاری که مورد توافقی همگان باشد ارائه نشده است. مولیناتان و تالر^{۱۷} معتقدند که «اقتصاد رفتاری ترکیبی از بینش‌های روانشناسی و اقتصاد است که به بررسی رویدادهایی می‌پردازد که در بازارها اتفاق می‌افتد، هنگامی که برخی از افراد محدودیت‌های انسانی و پیامدهای آن را نشان می‌دهند» (Mullainathan & Thaler, 2000). انگر^{۱۸} بیان می‌دارد: «اقتصاد رفتاری تلاشی برای افزایش قدرت تبیینی و پیش‌بینی نظریه اقتصادی به وسیله ارائه بنیان‌های مقبول‌تر روانشناسی است» (Angner, 2021). طبق اعلام بانک جهانی در نوامبر ۲۰۱۸ حداقل ۲۰۲ واحد عمومی در جهان وجود داشته‌اند که بر اساس رویکرد اقتصاد رفتاری توصیه‌های در زمینه سیاست‌گذاری ارائه می‌کردند (world Bank, 2019).

اندیشمندان این رویکرد تلاش می‌نمایند به این سوال پاسخ دهند که چه اشتباهات شناختی باعث شکست سیستماتیک یا به عبارتی قابل پیش‌بینی افراد در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌شود و دلالت‌های این امر برای سیاست‌گذاری چیست؟ آنها برای اشاره به این اشتباهات شناختی از اصطلاحات مختلفی استفاده نموده‌اند. سایمون^{۱۹} (۱۹۵۵) آن را عقلانیت محدود نامید، تورسکی و کانمن^{۲۰} (۱۹۷۴) از اصطلاح میان‌برهای ذهنی^{۲۱} و سوء‌گیری^{۲۲} و آریلی^{۲۳} (۲۰۱۰) از اصطلاح «نابخردی قابل پیش‌بینی»^{۲۴} استفاده نمودند. هانسن (۲۰۱۸) ذیل عنوان «شکست‌های سیستماتیک» به آنها اشاره می‌نماید و چن و لیگوبر^{۲۵} (۲۰۲۴) آنها را سوگیری شناختی می‌نامند. با وجود تعدد اصطلاحات به کار رفته، همگی بر این مساله تاکید می‌نمایند که افراد دارای عقلانیت کامل نیستند و مجموعه‌ای از خطاهای شناختی و محاسباتی را در قضاوت و تصمیم‌گیری‌ها مرتکب می‌شوند. چن و لیگوبر در یکی از نشریات دانشگاه اکسفورد بیان می‌دارند: «سوگیری شناختی»^{۲۶} به شکست استدلال اشاره دارد که به طور قابل پیش‌بینی به عنوان انحراف رفتاری از حقایق آشکار و پیش‌بینی‌ها از انتخاب عقلایی قابل مشاهده است» (Chen Libgober, 2024) به اعتقاد این اندیشمندان شناسایی و تلاش برای رفع این خطاها به بهبود سیاست‌گذاری و در

17. Mullainathan, S. & Thaler, R

18. Angner, E.

19. Simon, H.

20. Tversky, A. & Kahneman, D.

21. Heuristics

22. Biases

23. Ariely, D.

24. Predictably Irrational

25. Chen, B. & Libgober, B

26. Cognitive Bias

مجموع رفاه اجتماعی کمک می‌کند. البته عموماً فرض می‌شود که توده مردم دچار این اشتباهات می‌شوند. اما هارتول^{۲۷} (۲۰۲۲) بیان می‌دارد در سال‌های اخیر برخی اندیشمندان تأکید نموده‌اند که محدودیت‌های روان‌شناختی سیاست‌گذاران به ویژه در زمان بحران باعث می‌شود آنها دچار خطاهای شناختی شده به دلیل استفاده بیشتر از میانبرهای ذهنی شوند.

استفاده از میانبر ذهنی یا قاعده سرانگشتی از علل رایج سوگیری‌های هستند. تورسکی و کانمن (۱۹۷۴) سه میانبر لنگر، در دسترس بودن و نمایندگی^{۲۸} را مورد بحث قرار دادند. این سه میانبر بسیار مورد توجه و توافق عمومی هستند و تالر و سانستین^{۲۹} (۲۰۰۸) از این سه مورد به عنوان میانبرهای اصلی یاد می‌کنند (Thaler & Sunstein, 2008). از آن زمان تا کنون طیف وسیعی از این میانبرهای ذهنی شناسایی است (پورعلی مردان، عسگری، ۱۴۰۱). در این بین، میانبر دسترس‌پذیری از رایج‌ترین میانبرهاست. کانمن (۲۰۱۱) به مواردی اشاره می‌نماید که در آن احتمال دسترسی‌پذیری بیشتر است از جمله «وقتی بر خلاف کارشناسان در زمینه‌ای تازه کار هستید»، «وقتی احساس قدرتمند بودن می‌نمایید» که این دو مورد ارتباط زیادی با بحث سوءگیری در سیاست‌گذاری دارد (Kahneman, 2011). به عنوان یک مثال از میانبر دسترس‌پذیری، می‌توان به سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری دولت فدرال آمریکا برای تولید دستگاه‌های تنفس مصنوعی اشاره نمود. این دستگاه‌ها احتمالاً تأثیر اندکی در افزایش نجات بیماران داشت (Halpern et al, 2020). اما بیشتر شهروندان آمریکا از این تصمیم حمایت کردند زیرا آنها را از فکر کردن به مرگ‌های قابل پیشگیری بالقوه به جهت تعداد ناکافی این دستگاه‌ها منحرف می‌کرد.

راهکاری که برای غلبه بر این چالش در سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد تلنگر (Thaler & Sunstein, 2008) و تحلیل هزینه و فایده (Chen & Libgober, 2024) است. با این حال هر کدام از این راهکارها با چالش‌هایی روبروست. در میان راهکارهای فوق تلنگر بیش از سایر راهکارها مورد توجه قرار گرفته است. در یک تعریف مختصر «تلنگر به مثابه روش‌هایی تعریف می‌شود که افراد را به مسیرهای خاصی هدایت می‌کند، اما به آنها این اجازه را نیز می‌دهد که راه خود را بروند» (Sunstein, 2017). اما حتی سانستین نیز که خود به همراه تالر مبدع این روش بوده است به چالش‌های این روش اعتراف می‌کند. وی اذعان می‌نماید که افراد ممکن است ترجیحات متضاد داشته باشند یا برخی از افراد از اقدامات ضدتلنگری^{۳۰} استفاده نمایند تا مردم را به سوی انتخاب‌های مطلوب خودشان سوق دهند. همچنین برخی از اشکالات در طراحی و اجرای تلنگرها نیز در این میان مهم است (Sunstein, 2017). همچنین شواهد بسیار زیادی در طول تاریخ وجود دارد که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران به عمد به سمت مسیر اشتباه حرکت می‌نمایند و نمی‌توان با تلنگر آنها را به راه درست هدایت کرد. به عنوان مثال می‌توان به سخنان موبوتو سه‌سه‌سکو^{۳۱} دیکتاتور زئیر در پاسخ به درخواست کمک رئیس‌جمهور رواندا برای مقابله با شورشیان اشاره کرد. سه‌سه‌سکو در جواب وی گفت: «به تو گفتم هیچ جاده‌ای نساختم... ساختن جاده هیچ وقت کار خوبی نبوده است... من سی سال است قدرت را در زئیر در دست دارم و در این مدت حتی یک جاده نساختم. حالا شورشی‌ها در جاده‌ها در حال حرکت هستند تا ببینند تو را دستگیر کنند» (Robinson, 1999). جهت تبیین این امر باید از سطح تلنگر و اقتصاد رفتاری فراتر رفت و به ساختار نهادی توجه نمود. امری که برخی از اندیشمندان رفتاری نیز به آن اشاره کرده‌اند (Barr, 2012).

۲-۳- مقایسه و ارائه الگوی تحلیلی

27. Hartwell, C

28. Representativeness

29. Thaler, R. & Sunstein, C.

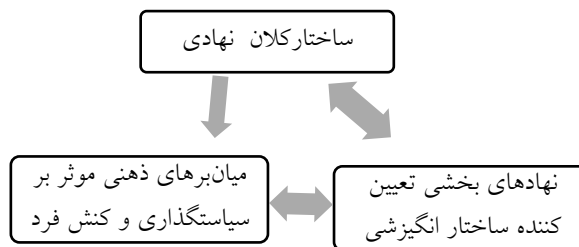
30. counternudges

31. Mobuto Sese seko

نکته مشترک در هر دو رویکرد آن است که آنها عقلانیت کامل را که بنیان اصلی رویکرد نئوکلاسیکی است نقد می‌نمایند. این مساله راه را برای ارائه تبیینی متفاوت از رویکرد نئوکلاسیکی در خصوص علل شکست سیاست‌گذاری باز می‌نماید. در واقع در حالی که در رویکرد نئوکلاسیکی فرض بر عقلانیت کامل است و انحراف از آن تبیین می‌شود در این دو رویکرد عقلانیت کامل به طور کامل کنار گذاشته می‌شود و تلاش می‌شود تبیین متفاوتی از تصمیم‌گیری و به تبع آن سیاست‌گذاری ارائه شود. نقطه اختلاف دو رویکرد نهادی و رفتاری نیز در ارائه نظریه‌ای برای تبیین علل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. در رویکرد نهادی سیاست‌گذاری تحت تاثیر نهاد است و آثار متاخر مانند نورث و همکاران (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) و همچنین عجم‌اغلو و رایبسون (۲۰۱۲، ۲۰۱۹) بر این نکته تاکید می‌نمایند که تنها در یک ساختار مشارکتی (دموکراتیک) و در خلال رقابت ایده‌هاست که سیاست‌گذاری درست انجام می‌شود. بر این اساس راهکار بهبود سیاست‌گذاری در این رویکرد نیز اصلاح ساختار انگیزشی و حرکت به سمت ساختاری مشارکتی (دموکراتیک) است. اما ساختارهای دموکراتیک می‌تواند در نتیجه کنش فردی فرو ریزد که نمونه آن در آلمان زمان هیتلر قابل مشاهده است. همچنین در ساختارهای دموکراتیک هم تصمیم‌های بسیار بدی اتخاذ می‌شود که نمونه آن در بحران کرونا قابل مشاهده است.

در سوی مقابل اندیشمندان رفتاری بر جنبه‌های فردی کنش و عملکرد ذهن تمرکز می‌نمایند. آنها یادآور می‌شوند از یکسو پردازش اطلاعات زمان‌بر است و از سوی دیگر ظرفیت ذهن انسان برای پردازش اطلاعات محدود است. بنابراین ذهن از قواعد سرانگشتی یا میان‌برها استفاده می‌کند. همانطور که اشاره شد تاکنون میان‌برهای گوناگونی شناسایی شده است که باعث بروز اشتباه در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌شوند. متداول‌ترین راهکاری که برای بهبود سیاست‌گذاری در این رویکرد مورد تاکید قرار می‌گیرد تلنگر است. اما تلنگرها همیشه مفید نیستند. افراد ممکن است ترجیحات متضاد داشته باشند یا برخی از افراد از اقدامات ضد تلنگری برای جلب نظر مردم استفاده کنند. همچنین افراد گاهی به دلیل منافع شخصی تصمیماتی را می‌گیرند که به نفع منافع عمومی نیست. با توجه به مباحث فوق عوامل تاثیرگذار در سیاست‌گذاری به شرح نمودار ۱ است.

شکل ۱- عوامل موثر بر سیاست‌گذاری



ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به الگوی فوق برای سیاست‌گذاری موفق لازم است به موارد ذیل توجه نمود:

- ۱- توجه به نهادهای اثرگذار بر تصمیم‌گیری بازیگران و اصلاح آنها در جهت افزایش اثرگذاری سیاست
- ۲- اصلاح کل ساختار نهادی در جهت ایجاد ساختاری دموکراتیک به منظور امکان رقابت بین ایده‌ها برای حل مشکلات
- ۳- توجه به میان‌برهای ذهنی برای جلوگیری از اشتباهات در سیاست‌گذاری، اشتباهاتی که حتی در یک ساختار دموکراتیک نیز امکان وقوع دارد.

۳- پیشنهاد پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی بین‌رشته‌ای است که هدف اصلی آن ارائه الگوی جدیدی برای تبیین سیاست‌گذاری است و البته در ادامه تلاش شده است برای تحلیل دو بخش منتخب از این الگو استفاده شود. مطالعات بین‌المللی انجام شده در زمینه الگوهای سیاست‌گذاری، طیف گسترده‌ای از مطالعات را شامل می‌شود که در بخش ادبیات نظری پژوهش به آنها اشاره شد. آثار هاولت و همکاران (۲۰۲۰)، دای (۲۰۱۶)، تیسن و واکر (۱۳۹۴)، آرارال و همکاران (۲۰۱۳) از جمله آثار مهم در این زمینه هستند. این شاخه از علم در خلال سال‌های اخیر با استقبال بسیار زیادی روبرو گشته است و کتب زیادی در این خصوص منتشر شده است که از جمله آنها می‌توان به آثار برکلند^{۳۲} (۲۰۱۹)، فورلانگ^{۳۳} و کرفت^{۳۴} (۲۰۲۰) و هاولت و توسان (۲۰۲۱) اشاره کرد. اما هیچکدام از این آثار درصدد ارائه الگوی نهادی-رفتاری نیستند و این امر وجه تمایز این آثار با این مقاله است.

این وجه تمایز در خصوص دو بخش منتخب مورد بررسی یعنی مسکن و سلامت نیز وجود دارد. مطالعات انجام شده در خصوص بازار مسکن ایران به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروهی از مطالعات متمرکز بر مباحث فنی، شهرسازی و ساخت است و گروهی دیگر با استفاده از روش‌های کمی به ویژه اقتصاد سنجی به بررسی قیمت مسکن، وجود حباب در بازار مسکن، اثر عوامل مختلف بر قیمت مسکن، مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری در مسکن می‌پردازند. این دو گروه از مطالعات خارج از موضوع این پژوهش هستند. گروه سوم مطالعات شامل مواردی است که به سیاست‌گذاری در بازار مسکن اختصاص دارد و فصل مشترک زیادی با این پژوهش دارند. در این مطالعات عموماً با روش تحلیل کیفی به بررسی روند سیاست‌گذاری مسکن در ایران در چند دهه گذشته پرداخته می‌شود. از جمله آنها می‌توان به قاسمی و قادرمرزی (۱۳۹۵) و مشکینی و شاهرخی-فر (۱۴۰۰) اشاره کرد. در اکثر این مطالعات بر ناکارآمدی سیاست مسکن در ایران تاکید می‌شود. البته شواهد آماری نیز نتایج این تحقیقات را تایید می‌نماید. همانطور که در مقدمه بیان شد مهم‌ترین شاهد برای ناکارآمدی سیاست مسکن سهم قریب به دو برابری هزینه مسکن در سبد خانوار ایرانی در مقایسه با جهان است. از جمله مطالعات انجام شده در حوزه سیاست‌گذاری سلامت نیز می‌توان به مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱) و نصرتی نژاد و همکاران (۱۳۹۹) اشاره نمود. در این مقالات نیز عموماً به عدم دستیابی به اهداف تعیین شده در برنامه‌های سلامت اشاره شده است. همچنین بخشی از مطالعات در حوزه سلامت مرتبط با تقاضای القایی است که در بخش سلامت این مقاله به آنها اشاره شده است.

درمجموع، گرچه مطالعات بسیار گوناگونی در این زمینه‌ها انجام شده است اما هیچکدام با استفاده از الگوی نهادی-رفتاری نیست. مزیت این الگو فراتر رفتن از تبیین‌های متداول درخصوص علل شکست سیاست‌گذاری‌هاست.

۴- روش پژوهش

روش تحلیل در این پژوهش مقایسه‌ای است. «روش تحلیل مقایسه‌ای راهی برای استنباط علی (توصیفی یا علی) از طریق مقایسه نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است» (کوثری، ۱۳۹۹). این روش در میان اندیشمندان نهادگرا بسیار مرسوم است. گریف^{۳۴} از اندیشمندان سرشناس نهادی در این خصوص می‌نویسد: «تحلیل نهادی تاریخی و مقایسه‌ای، تاریخی است زیرا تلاش دارد نقش تاریخ در ظهور، جاودانسازی و تغییر نهادی را بررسی نماید. همچنین مقایسه‌ای است به دلیل تلاش برای بدست آوردن بینشی از طریق مطالعه مقایسه‌ای در طول زمان و مکان و نهایتاً تحلیلی است به واسطه اینکه اتکا صریحی بر زمینه‌های اختصاری مدل‌های خرد برای تحلیل تجربی دارد» (Greif, 1998). در ادامه این پژوهش با اتکاء به تحلیل مقایسه‌ای تلاش می‌شود تبیین جدیدی از علل شکست سیاست‌گذاری در ایران ارائه

³² . Birkland, T.

³³ . Furlong, S. & Kraft, M

³⁴ . Greif, A.

شود. برای بررسی دقیق‌تر سیاست‌گذاری در ایران به بررسی اجمالی سیاست‌گذاری در دو حوزه مسکن و سلامت پرداخته می‌شود. انتخاب این دو بخش به دلیل سهم بالایی است که در سبد هزینه‌ای خانوار ایران بر اساس آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲ دارند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). مبتنی بر روش تحلیل مقایسه‌ای در هر بخش شاخص‌های مشخصی برای ارزیابی موفقیت سیاست‌گذاری انتخاب و بر اساس آنها، وضعیت ایران و کشورهای منتخب ارزیابی می‌شود. سپس به سیاست‌هایی پرداخته می‌شود که در کشورهای منتخب و ایران برای بهبود شرایط اجراء شده است. در نهایت مبتنی بر چارچوب نظری فوق تلاش می‌شود با مقایسه شاخص‌ها و سیاست‌ها در جهان و ایران، تحلیلی از دلایل عدم موفقیت سیاست‌گذاری در بخش‌های منتخب ارائه شود.

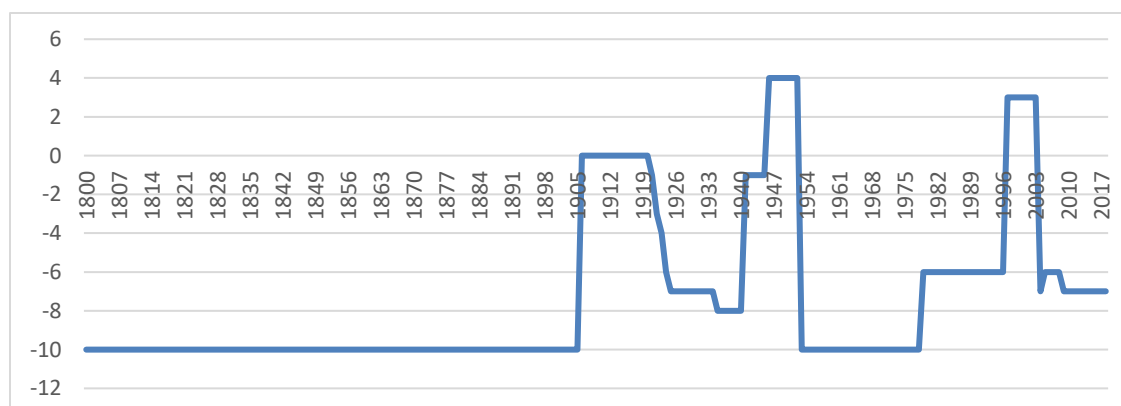
۵- یافته‌ها

با توجه به مطالب فوق، در ادامه دو بخش مسکن و سلامت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. اما پیش از آن ساختار کلان نهادی ایران بررسی می‌شود که بر تمام سیاست‌گذاری‌ها اثرگذار است.

۵-۱- ساختار کلان نهادی ایران

همانطور که اشاره شد نورث و همکاران (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) و عجم اوغلو و رایبسون (۲۰۱۲، ۲۰۱۹) بر اهمیت ساختار نهادی دموکراتیک در سیاست‌گذاری تاکید می‌نمایند. برای سنجش این مساله آنها از شاخص دموکراسی پالیتی^{۳۵} استفاده می‌نمایند. البته نورث و همکارانش (۲۰۰۹) یادآور می‌شوند نظم عام (دموکراتیک) مفهوم گسترده‌ای است که به سادگی قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد ولی به هر حال در حال حاضر بهترین شاخص برای این مساله همین شاخص دموکراسی پالیتی است و به قول نورث و همکارانش برای به دست آوردن شاخصی بهتر باید منتظر تحقیقات آینده ماند (North et al, 2009). این شاخص میزان دموکراتیک بودن کشورها را می‌سنجد و مقدار آن بین صفر تا ۱۰ متغیر است و عدد ۱۰ بیانگر وجود بهترین حالت است. البته این متغیر برای حالات خاص مانند دخالت خارجی یا کودتا ضرایب منفی به خود می‌گیرد. این شاخص میانگین وزنی چند شاخص مانند حق ابراز عقیده شهروندان، وضعیت قوای اجرایی، برابری حقوقی است. براساس این شاخص که اطلاعات آن تا سال ۲۰۱۸ منتشر شده است وضعیت ایران به شرح شکل ۱ است.

شکل ۲- تغییرات شاخص پالیتی برای ایران ۲۰۱۷-۱۸۰۰



ماخذ: مرکز صلح سیستمیک^{۳۶}

³⁵. Polity IV

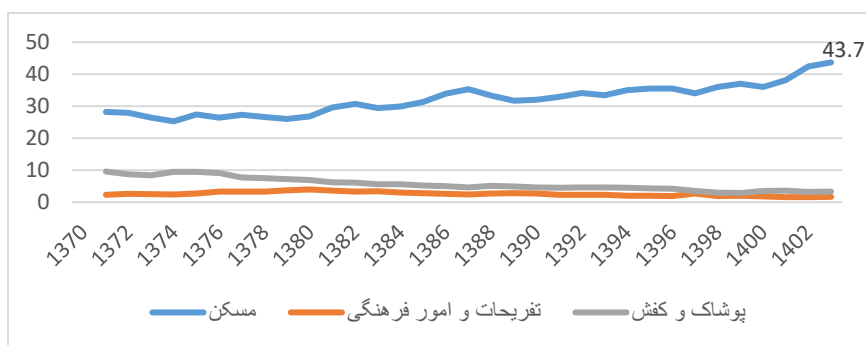
³⁶. <http://www.systemicpeace.org/inscrdata.html>

شکل ۲ نشان می‌دهد ساختار کلان نهادی در کلیه سال‌های پس از انقلاب دموکراتیک‌تر از دوره تثبیت پهلوی دوم است. با این حال ساختار نهادی کشور با نظام دموکراتیک فاصله دارد و این امر بر کیفیت سیاست‌گذاری اثر منفی دارد. در واقع ساختار نهادی کشور به حدی از مشارکتی بودن نرسیده است که بتواند بهترین ایده‌ها را برای بهبود شرایط به کار گیرد.

۵-۲- بررسی سیاست‌گذاری در بخش مسکن

بخش مسکن از اولین برنامه توسعه در سال ۱۳۲۷ مورد توجه سیاست‌گذاران کشور بوده است. برای ارزیابی موفقیت سیاست‌گذاری در این حوزه، مهم‌ترین شاخصی که می‌توان از آن استفاده نمود سهم هزینه مسکن در سبد خانوار است. این شاخص ارتباط مستقیمی با رفاه خانوار دارد و بر سایر مصارف خانوار نیز اثر می‌گذارد. **بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم هزینه مسکن در سبد خانوار در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا در خلال سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۴ به طور میانگین کمتر از ۲۵ درصد و در کشورهایی مانند کره جنوبی و آمریکا کمتر از ۲۰ درصد بوده است (OECD, 2025, 4) اما این سهم در سبد هزینه خانوار شهری در ایران به شرح شکل ۳ است.**

شکل ۳- سهم بخشهای مختلف در سبد خانوار شهری در ایران



ماخذ: مرکز آمار ایران

این وضعیت در حالی است که از نظر نسبت خانوار به خانه ایران در وضعیت مناسبی قرار دارد که در شکل ۴ قابل مشاهده است.

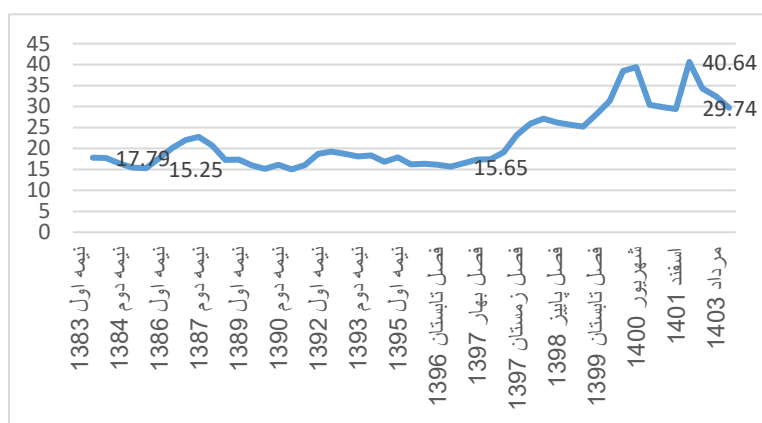
شکل ۴ - نسبت خانوار به خانه در کشورهای منتخب ۲۰۲۱ و ایران ۱۳۹۵



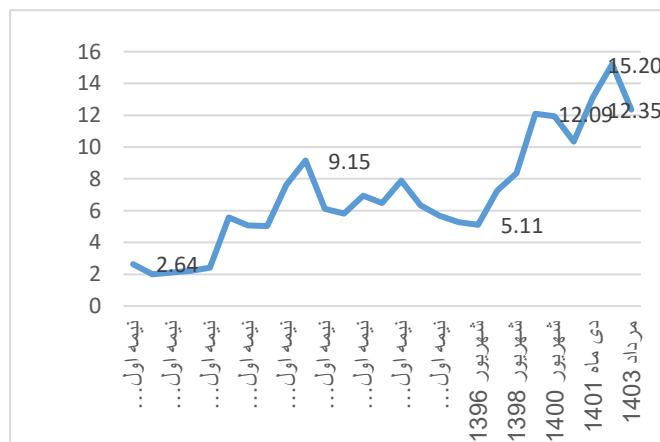
ماخذ: OECD، مرکز آمار ایران

شکل ۴ نشان می‌دهد کشورهایی مانند کره جنوبی، کانادا و انگلستان با کمبود مسکن روبرو هستند. با این حال هزینه سهم هزینه مسکن در سبد خانوار در این کشورها بسیار پایین‌تر از ایران است. تحت این شرایط این سوال مطرح می‌شود که آیا حباب قیمتی دلیل بالا بودن قیمت مسکن و هزینه بالای آن در سبد خانوار در ایران است؟

با توجه به اثرات مخربی که حباب در بازار مسکن دارد و در بحران ۲۰۰۸ به خوبی نمایان شد، اندیشمندان مختلف تلاش نموده‌اند با ارائه شاخص‌هایی حباب در بازار مسکن را شناسایی نمایند. دو شاخص مهم در این زمینه وجود دارد که عبارتند از ۱- نسبت قیمت به اجاره، ۲- نسبت قیمت به درآمد (Lind, 2009) است. اندیشمندان دیگر نیز بر اهمیت دو شاخص فوق تاکید نموده‌اند (Girardin & Roselyne, 2022). نکته مهم دیگر در خصوص این شاخص‌ها روند تاریخی آنهاست. شیلر^{۳۷} می‌نویسد: «حداقل یکی از جنبه‌های حباب مسکن که همانا رشد سریع قیمت است به وضوح در سال‌های اخیر قابل مشاهده است. رشد سریع قیمت مسکن پس از سال ۲۰۰۰ بر اساس اطلاعات اقتصادی در اکثر کشورهای توسعه یافته جهان به جزء ژاپن و آلمان قابل مشاهده است. در برخی از این کشورها، نسبت قیمت به اجاره و قیمت به متوسط درآمد به سطوحی رسیده‌اند که از ۱۹۵۷ مشاهده نشده است» (Case & Shiller, 2003). اگر این شاخص‌ها برای قیمت مسکن در شهر تهران که اطلاعات بلند مدت آن موجود است محاسبه شود نتایج زیر حاصل می‌شود.



ماخذ: داده‌های بانک مرکزی



ماخذ: داده‌های بانک مرکزی

شکل ۵ و ۶ به خوبی انحراف از روند تاریخی و در نتیجه وجود حباب را نشان می‌دهد. شواهد دیگر نیز نشان می‌دهد تقاضای مسکن در ایران مصرفی نیست. به عنوان مثال در خلال ۱۳۹۵-۱۳۸۵ حدود ۱۱ میلیون خانه ساخته شد اما تنها ۲/۵ میلیون نفر به تعداد مالکان و ۳/۲۶۰ میلیون به مستاجران اضافه شد و بقیه به صورت خانه خالی و اقامتگاه دوم درآمد است. (نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵). تحت این شرایط باید به این سوال پاسخ داد که تجربه جهانی برای از بین بردن حباب مسکن، کاهش تقاضای سفته‌بازی در بازار مسکن و همچنین کاهش هزینه مسکن در سید خانوار چیست؟

کرو^{۳۸} و همکاران (2013) در یک تقسیم‌بندی کلی ابزارهای کنترل ایجاد حباب و سفته‌بازی در بازار مسکن را به سه دسته کلی ابزارهای مالی (انواع مالیات)، پولی (نرخ بهره) و تنظیم‌گری کلان احتیاطی (مانند محدودیت وام به ارزش و بدهی به درآمد) تقسیم می‌کند. باسکو^{۳۹} (۲۰۱۱) نیز به ابزارهای قانون‌گذاری و کلان برای کنترل حباب مسکن اشاره می‌نماید. در گزارش کمیسیون اروپا به این نکته اشاره شده است که «مالیات بر مبادله املاک می‌تواند به طور بالقوه مانع سفته‌بازی شود و به کاهش ریسک ایجاد حباب در بازار مسکن کمک کند» (European Commission, 2012). علاوه بر استفاده از ابزار مالیات، برای کاهش سفته‌بازی، اقدامات دیگری نیز در جهت کاهش هزینه مسکن در سید خانوار

37. Shiller, R.

38. Crowe. C.

39. Basco, S

انجام می‌شود که طیف گسترده‌ای از کنترل اجاره تا تسهیلات بانکی و مسکن اجتماعی را شامل می‌شود (OECD, 2021). به عنوان مثال در خلال سال‌های اخیر با افزایش هزینه مسکن در کشورهای توسعه یافته (همچنان کمتر از ۲۵ درصد سبد خانوار) سیاست‌های کنترل اجاره بار دیگر در دستور کار این کشورها افزایش یافته است (Harvard Joint Center for Housing Studies, ۲۰۲۰) و در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز سیاست کنترل اجاره در ۲۵ کشور به اجراء گذاشته شده است. همچنین در نتیجه اجرای سیاستهای سختگیرانه در اروپا، به تدریج از میزان سرمایه‌گذاری در خانه‌های شخصی اجاره‌ای کاسته شد، و مسکن اجتماعی و خانه‌های خود مالکی به بخش عمده بازار بدل شد (Haffne et al, ۲۰۱۲). همچنین نیز در بسیاری از کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تلاش می‌شود با استفاده از انواع ابزارهای مالیاتی افراد را از خرید خانه‌های دوم و سوم برحذر دارند (OECD, 2022).

اما در ایران پرکاربردترین سیاست، ساخت مسکن است و سایر سیاست‌ها مورد غفلت قرار گرفته است. در واقع در حالی که «ساخت مسکن ارزان قیمت» امری است که در اولین برنامه عمرانی ایران (۱۳۳۴-۱۳۲۷) مورد تصویب قرار گرفت و در اکثر برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب تکرار شد، اما همچنان مالیات بر عایدی سرمایه و معاملات مکرر در ایران به اجرا گذاشته نشده است. اولین تلاش در خصوص کنترل اجاره در ایران در سال ۱۳۵۲ و قانون تعدیل و تثبیت اجاره بها آغاز گردید. تعیین سقف اجاره بعد از آن نیز در چندین نوبت به تصویب رسید که نمونه متاخر آن در قالب قانون «ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره بها» مصوب ۱۴۰۳ بود که در عمل اجرا نگردید. جدول شماره ۱ تصویری از سیاست‌های اجرا شده در ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ارائه می‌نماید.

جدول ۱- مقایسه‌ای سیاستگذاری مسکن در ایران و جهان

عرضه/ تقاضا	ابزاری سیاستی در کشورهای OECD	استفاده از ابزار سیاستی در ایران
تقاضا	کمک هزینه	برای عده‌ای محدود در چند سال اخیر
	وام و تضمین وام برای مستاجران	برای عده‌ای محدود در چند سال اخیر
	توسعه مسکن اجتماعی	وجود ندارد
عرضه	تعیین سقف اجاره در ابتدا و برای تمدید	چندین بار تصویب اما اجرا نمی‌شود
	معافیت و مشوق مالیاتی برای ساخت مسکن اجاره‌ای	وجود ندارد
	قانونگذاری در مورد حداقل کیفیت	وجود ندارد
تقاضا	وام برای خرید خانه به ویژه خانه اول	سهمی کمتر از ۲۰ درصد از کل قیمت در خانه میانگین
	معافیت‌های مالیاتی و عوارض برای خرید به ویژه خانه اول	وجود ندارد
	مالیات بر عایدی سرمایه، معاملات مکرر	وجود ندارد
عرضه	تنظیم نرخ بهره و میزان وام به ویژه در شرایط ایجاد حباب	وجود ندارد
	فراهم آوردن زیرساخت برای گسترش مسکن	پرکاربردترین سیاست اما با زیرساختها ناکافی
	وام برای ساخت مسکن	به میزان محدود
عرضه	مالیات بر نقل و انتقال، مالیات مکرر، عایدی سرمایه	مالیات مکرر و عایدی سرمایه وجود ندارد.

ماخذ: یافته‌های پژوهش

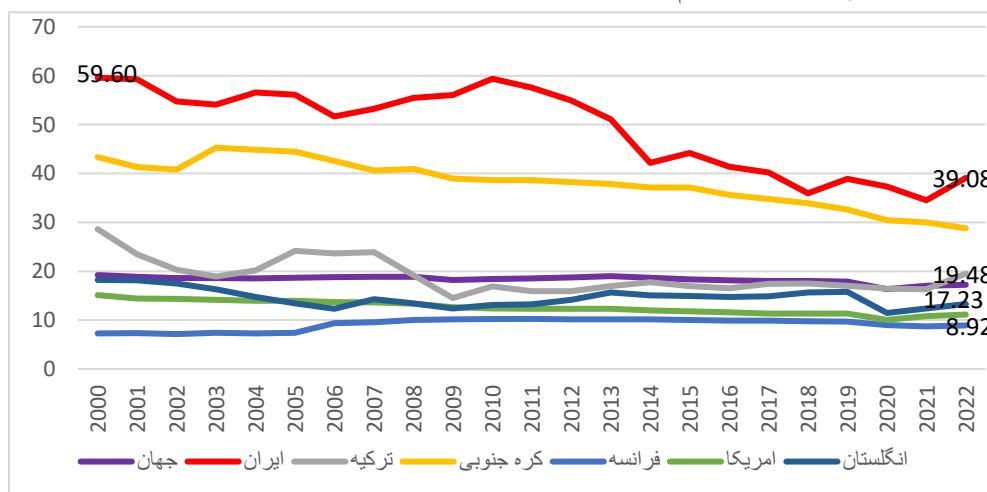
با توجه به چارچوب نظری این پژوهش دلیل شکست سیاستگذاری در بازار مسکن ایران چند عامل است. نخست آنکه سیاستگذار دچار سوگیری شناختی به دلیل میان‌بر ذهنی بسیار شایع دسترس‌پذیری اشاره نمود که در آن سیاستگذار راه‌حل‌های فوری که به ذهن خطور می‌نماید را ارائه می‌نماید. تحت این سوگیری مسکن مانند اقلام مصرفی در نظر گرفته می‌شود که با افزایش عرضه می‌تواند مشکل را حل نماید. امری که نماد آن تاکید بر ساخت مسکن است. همچنین سیاستگذار از سایر قوانین و قواعد (نهادهای) که باعث کاهش سفته‌بازی در این بازار می‌شوند غفلت می‌نماید که شاهد آن عدم استفاده از بسیاری از

ابزارهای سیاستی در ایران است. البته این تحلیل به معنی انکار نقش سایر عوامل و تحولات به عنوان مثال اثر جهش نرخ ارز بر جهش قیمت در بازار مسکن نیست. اما مطابق چارچوب تحلیلی فوق سیاستگذار به دلیل سوگیری شناختی و عدم توجه به نهادهای بازار مسکن، در مواجهه با جهش ارزی به جای استفاده از ابزارهای مختلف از جمله ابزار مالیاتی برای کاهش اثرات منفی جهش ارز بر سهم مسکن در سبد هزینه خانوار بر ساخت مسکن تاکید می‌کند.

۵-۳- بررسی سیاست‌گذاری در بخش سلامت

بررسی برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب نشان می‌دهد بخش عمده تمرکز برنامه‌ها در بخش سلامت بر توسعه زیرساخت‌ها از آب آشامیدنی تا توسعه شبکه و پیشگیری از بیماری‌ها بوده است. با ایجاد این زیرساخت‌ها و گسترش دانشکده‌های پزشکی و تربیت فارغ التحصیلان فراوان، شرایط در برنامه‌های پس از انقلاب تغییر نمود و توجه به سایر مسائل در دستور کار قرار گرفت. با این حال داده‌های موجود نشان می‌دهد کشور با وضعیت مطلوب فاصله دارد. **سهم هزینه بهداشت و درمان در سبد خانوار شهری در سال ۱۳۹۲ که سال قبل از آغاز طرح سلامت است برابر با ۹.۱ بوده است که در سال ۱۳۹۶ به ۱۰.۷ درصد و در سال ۱۴۰۳ به ۸.۷ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران).** این امر در حالی است که سهم این هزینه در سبد خانوار در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۱۷ برابر با ۳.۳ درصد و در کشورهای مانند انگلستان و فرانسه و **المان و حتی آمریکا کمتر از ۳ درصد بوده است (OECD, 2019)** شاخص مهم دیگر در این زمینه پرداخت مستقیم از هزینه سلامت است که در نمودار ۱۰ قابل مشاهده است. مطابق نمودار در سال ۲۰۲۲ میزان پرداخت مستقیم افراد برای هزینه سلامت در دنیا ۱۷.۲۳ درصد، در ترکیه ۱۹.۴۸ و در ایران ۳۹.۰۸ بوده است.

شکل ۷- پرداخت مستقیم (پرداخت از جیب) بابت هزینه سلامت (درصد)



ماخذ: بانک جهانی

سهم بالای هزینه سلامت باعث گردید سیاستگذاران در ایران چند سیاست از جمله طرح تحول سلامت را از سال ۱۳۹۳ و افزایش پذیرش دانشجویان پزشکی را از سال ۱۴۰۰ در دستور کار قرار دهد. اما حتی با وجود اجرای طرح چنین طرح‌هایی نیز هزینه سلامت در ایران بسیار بالاست و همانطور که در نمودارهای فوق نمایان است باردیگر صعودی نیز شده است. دلایل مختلفی برای عدم دستیابی به اهداف در زمینه کاهش پرداخت از جیب افراد در طرح تحول ارائه شده است که از جمله موارد مهم آن عدم توجه به تقاضای القایی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱). کارشناسان بانک جهانی

(۲۰۰۷) در تعریف تقاضای القایی عرضه کننده می‌نویسند: «اکثر اقتصاددانان سلامت، تقاضای القایی عرضه کننده را به عنوان عرضه خدماتی تعریف می‌نمایند که مشتریان بر خودار از اطلاعات کامل آن را تقاضا نمی‌کردند» (World Bank, 2007). بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد ضعف در قانونگذاری، اجرا و نظارت بر اجراء از جمله اصلی‌ترین عوامل ایجاد تقاضای القایی است (مصدق راد، اصفهانی، ۱۴۰۲).

در ایران نیز، برخی مطالعات میدانی افزایش تعداد و مدت بستری پس از آغاز طرح تحول سلامت را نشان می‌دهند (حمیدی پارسا و همکاران، ۱۴۰۱) این امر می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از تقاضای القایی مد نظر قرار گیرد. واقعیت آن است که تقاضای القایی پیش از شروع طرح تحول سلامت نیز در ایران وجود داشت و مطالعات مختلفی به آن اشاره نموده است (عبدلی و وره‌رامی ۱۳۸۸). پس از اجرای طرح نیز در مطالعات گوناگونی به اثر طرح تحول بر تقاضای القایی اشاره شده است. محقق و همکاران (۱۴۰۰) به مقالات گوناگونی اشاره می‌نمایند که در آن به تقاضای القایی قبل و بعد از اجرای طرح تحول سلامت اشاره شده است. راهکارهایی نیز که در خصوص کاهش تقاضای القایی در ایران ارائه شده است طیف وسیعی از اقدامات مانند اصلاح نظام پرداخت به ارائه‌دهندگان خدمات، تخصیص کارای هزینه‌ها، اصلاح نظام تعرفه، اعمال فرانشیزهای مناسب برای خدمات، اصلاح ساختار ارتباط مستقیم مالی پزشک و بیمار، الزام پزشکان به پاسخ‌گویی به نظام سلامت، ارتقای اخلاقیات در بین پزشکان، سهم شدن پزشکان در هزینه‌ها، کنترل و متناسب‌سازی خدمات و پوشش بیمه، اقدامات قانونی و نظارتی سازمان بیمه، اعمال سقف تعداد خدمات برای پزشکان و بیماران و البته آگاهی بخشی عمومی است (محقق و همکاران، ۱۴۰۰).

همانطور که مشاهده می‌شود کاهش تقاضای القایی نیازمند اقدامات گوناگونی است که تجارب بین‌المللی و داخلی آن وجود دارد. اما سیاست‌گذار برای کاهش هزینه‌های سلامت خانوار بدون توجه به تقاضای القایی و راهکارهای کاهش آن، تنها به بحث افزایش عرضه خدمات توجه نموده است. از سوی دیگر بر خلاف تصور سیاست‌گذاران در ایران مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد «در بسیاری از کشورها استفاده سرانه از خدمات پزشکی با افزایش در تراکم پزشک افزایش می‌یابد، حتی اگر تعرفه‌ها کاهش نیابد» (زوافل و همکاران، ۱۴۰۰). در واقع طرح افزایش تعداد پزشکان نه تنها به کاهش هزینه‌ها منجر نخواهد شد بلکه هزینه‌ها را بیش از پیش افزایش می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت در بخش سلامت نیز مانند بخش مسکن سیاستگذار دچار سوگیری شناختی به دلیل میان‌بر ذهنی بسیار شایع دسترس‌پذیری اشاره نمود و فرض نموده است با پرداخت منابع مالی و افزایش تعداد پزشک می‌توان هزینه سلامت برای خانوارها را کاهش داد و به طور کامل از بحث تقاضای القایی غفلت نموده است. همچنین به قوانین و مقرراتی که می‌تواند مانع تقاضای القایی شود نیز بی‌توجه بوده است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

چالش‌های سیاستگذاری در دنیای کنونی باعث شده است در سال‌های اخیر ایده ترکیب رویکردهای مختلف برای ارائه مدلی جهت تبیین بهتر سیاستگذاری مطرح شده است. در مقاله حاضر ایده ترکیب دو رویکرد نهادی و رفتاری به منظور ارائه مدلی با قدرت تبیین بالاتر ارائه شد. نکته مشترک دو رویکرد آن است که هر دو منتقد فرض عقلانیت ابزاری هستند و در گروه نظریه‌های هتروئودوکس دسته‌بندی می‌شوند. هریک دارای نقاط ضعف و قوتی هستند و با ترکیب آنها می‌توان به مدل بهتری دست یافت. الگوی نهادی توضیح می‌دهد در یک ساختار غیرمشارکتی (غیردموکراتیک) به دلایل مختلف از جمله عدم توجه به ایده‌های رقیب و تضاد منافع سیاستگذاری اشتباه انجام می‌شود و تلنگرها برای بهبود این امر کافی نمی‌باشند. از سوی دیگر باید بر اساس تبیین‌های رفتاری، حتی در یک ساختار مشارکتی (دموکراتیک) نیز سیاستگذاران دچار سوگیری شناختی به دلیل میان‌برهای ذهنی می‌شوند و امکان سیاستگذاری اشتباه وجود دارد. لذا با ترکیب این ایده‌ها می‌توان به نقاط ضعف هریک از

رویکردها غلبه کرد و تبیین‌های بهتری ارائه نمود که به توصیه‌های سیاستی بهتری نیز منجر شود. الگوی فوق برای سیاستگذاری موفق لازم است به موارد ذیل توجه نمود:

۱- توجه به نهادهای اثرگذار بر تصمیم‌گیری بازیگران و اصلاح آنها در جهت افزایش اثرگذاری سیاست
۲- اصلاح کل ساختار نهادی به گونه‌ای که با ایجاد ساختاری دموکراتیک امکان رقابت بین ایده‌ها برای حل مشکلات پدید آید.

۳- توجه به میان‌برهای ذهنی برای جلوگیری از اشتباهات در سیاستگذاری امری که حتی در یک ساختار دموکراتیک نیز امکان وقوع دارد.

بر اساس الگوی فوق سیاستگذاری در ایران با تاکید بر دو بخش مسکن و سلامت که سهم بالایی در سبد خانوار ایرانی دارند بررسی شد.

مبتنی بر روش تحلیل مقایسه‌ای در هر بخش شاخص‌های مشخصی برای ارزیابی میزان موفقیت سیاستگذاری ارائه شد. سهم مسکن در سبد هزینه خانوار شهری ایران همانطور که در شکل ۳ نمایان است در یک روند صعودی در یک دهه اخیر به ۴۳.۷ درصد رسیده است که قریب به دوبرابر میانگین جهانی است. سهم هزینه بهداشت و درمان در سبد خانوار شهری نیز در سال ۱۴۰۳ به ۸.۷ درصد بوده است در حالی است که این سهم در سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۱۷ برابر با ۳.۳ درصد و در کشورهایی مانند انگلستان و فرانسه و آلمان و حتی آمریکا کمتر از ۳ درصد بوده است پرداخت مستقیم (پرداخت از جیب) بابت هزینه سلامت طبق شکل ۷ در دنیا ۱۷.۲۳ درصد و در ایران ۳۹.۰۸ بوده است. بنابراین بر اساس این شاخص‌ها می‌توان گفت سیاستگذاری در هر دو بخش مسکن و سلامت در کشور موفقیت آمیز نبوده است.

مبتنی بر چارچوب نهادی-رفتاری، فاصله ساختار کلان نهادی با نظم دموکراتیک که در شکل ۱ ارائه شده است از جمله دلایل اصلی شکست سیاستگذاری در این دو بخش است. این امر باعث شده است رقابت ایده‌ها برای بهبود شرایط در ایران پدید نیاید و بسیاری از ایده‌هایی که برای بهبود شرایط در دنیا اجرایی شده است در ایران به کار گرفته نشود.

همچنین بر اساس چارچوب نظری این مقاله، بخشی از اشتباهات سیاستگذاری به دلیل میان‌برهای ذهنی موثر بر سیاستگذاری است. بررسی‌های فوق نشان می‌دهد میان‌بر ذهنی دسترس‌پذیری در دو بخش مسکن و درمان قابل مشاهده است. در هر دو بخش سیاست‌گذار به سادگی فرض می‌کند با تزریق منابع و افزایش عرضه می‌تواند شرایط را بهبود بخشد همچنین سیاست‌گذار از قوانین و قواعد (نهادهای) اثرگذار در هر بخش غفلت می‌نماید که این امر نیز در شکست سیاستها بسیار اثرگذار است. بررسی جدول ۱ در خصوص سیاستگذاری مسکن در ایران و جهان و مباحث مطرح شده درخصوص نحوه مدیریت هزینه سلامت در ایران و جهان به خوبی میان‌بر ذهنی دسترس‌پذیری و عدم توجه به نهادهای بخشی تعیین‌کننده ساختار انگیزشی در هر دو بخش را نشان می‌دهد. برای بهبود سیاستگذاری بر اساس الگوی ترکیبی نهادی-رفتاری از یکسو حرکت در جهت ساختاری مشارکتی (دموکراتیک) باید مد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر تشکیل تیم‌های رفتاری برای شناسایی میان‌برها در مسیر سیاستگذاری می‌تواند بسیار مفید باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ali Nikoonesbati <https://orcid.org/0009-0002-6952-6206>

Abbas Assari Arani <https://orcid.org/0000-0002-4995-867X>

Farshad Momeni, <https://orcid.org/0000-0002-9772-3971>

منابع

- پورعلی مردان، محدثه، عسگری، حشمت اله، (۱۴۰۱)، سوگیری در دستمزدها و ترجیحات زمانی (کاربردی از اقتصاد رفتاری)، پژوهشهای اقتصادی ایران، دوره ۷۲، (۳۹)، ۲۰۹ - ۲۵۶
- <https://doi.org/10.22054/ijer.2022.66212.1072>
- تیسن، ویل ای اچ، واکر، وارن ای، (۱۳۹۴) {۲۰۱۳}، تحلیل خط مشی عمومی: پیشرفت‌های جدید، ترجمه حسن دانایی فرد، هانیه احمدی، تهران، انتشارات صفار
- حمیدی پارسا، هادی، الهی، ناصر، رضایی، مجید، و جعفری، مهدی (۱۴۰۱) تحلیل اقتصادی طرح تحول نظام سلامت با روش شکست ساختاری. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۲(۱۱)، ۸۹۰ - ۹۰۱
- <https://sid.ir/paper/1089671/fa>
- دادگر، یدالله، درگاهی، حسن؛ قلی زاده، سعید، (۱۴۰۲)، نقش احساسات سرمایه‌گذاران و رفتار دولت در نوسانات بازار بورس اوراق بهادار تهران: رویکرد اقتصاد رفتاری، نظریه های کاربردی اقتصاد، ۱۰(۱)، ۱۹۱ - ۲۱۴
- <https://doi.org/10.22034eco.2023.53000.3091>
- عبدلی، قهرمان؛ وهرامی، ویدا، (۱۳۸۸)، نقش اطلاعات نامتقارن در القای تقاضا: مطالعه ی موردی خدمات پزشکی، مدیریت سلامت، ۱۴(۴۳)، ۳۷ - ۴۲
- URL: <http://jha.iums.ac.ir/article-1-801-fa.html>
- قاسمی، علی، قادرمرزی، حامد، (۱۳۹۵)، سیاست‌های تامین مسکن تجارت جهانی و ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- لویتسکی، استیون، زیبلات، دانیل (۱۳۹۸)، دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند، ترجمه سیامک دل‌آرا، اعظم ورشوچی فرد، تهران، انتشارات کتاب پارسه
- مرکز پژوهشهای مجلس (۱۴۰۱)، سلامت در برنامه هفتم توسعه؛ ضرورت توجه به شفافیت به منظور مدیریت تعارض منافع، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قوانین برنامه اول تا ششم توسعه در حوزه سلامت، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس
- مرکز پژوهشهای مجلس (۱۳۹۶)، نگاهی بر روند هزینه‌های سلامت در ایران و جهان و نحوه مدیریت آن، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، ارزیابی کلی مرکز پژوهش‌ها از برنامه‌های توسعه در سال‌های بعد از انقلاب، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس
- مشکینی، ابولفضل، شاهرخی‌فر، زینب، (۱۴۰۰)، سیاستگذاری مسکن در ایران، انتشارات آکادمیک
- مصدق راد، علی محمد، اصفهانی، پروانه (۱۴۰۲)، علل تقاضای القایی در نظام سلامت: یک مرور حیطه‌ای، مجله پی‌اورد سلامت، ۱۷(۳)، ۲۲۹ - ۲۴۴
- URL: <http://payavard.tums.ac.ir/article-1-7413-fa.html>
- نصرتی نژاد، فرهاد، باسقا، مهدی، سنبلی، فائزه، (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی سیاست‌های سلامت در برنامه های توسعه (اول تا ششم) ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی ۲۰(۷۹)، ۱۹۵ - ۲۲۶
- URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3252-fa.html>

References

- Acemoglu, D. & Robinson, J. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity and Poverty*, Profile Book
- Acemoglu, D. & Johnson, S. & Robinson, J. (2005). *Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth*, in Handbook of Economic Growth, edited by, Philippe Aghion and Steven Durlauf, Elsevier
- Angel, S. (2000). *Housing Policy Matters: A Global Analysis*, Oxford University Press
- Angner, E. (2021). *A Course in Behavioral Economics*, Palgrave
- Araral, E. & Fritzen, S. & Howlett, M. & Ramesh, M. (2013). *Routledge Handbook of Public Policy*, Routledge
- Ariely, Dan. (2010). *Predictably Irrational: The Hidden Forces That Shape Our Decisions*, Harper Perennial
- Arnott, R. (1995). *Time for Revisionism on Rent Control?*, The Journal of Economic Perspectives, 9(1), 99-120
[DOI: 10.1257/jep.9.1.99](https://doi.org/10.1257/jep.9.1.99)
- Barr, M. & Mullainathan, S. & Shafir, E. (2012). *Behaviorally Informed Regulation*, in E. Shafir (ed.), *The Behavioral Foundations of Public Policy*, Princeton: Princeton University
- Basco, S. (2011). *Housing Bubbles: Origins and Consequences*, Palgrave
- Blatter, J. & Haverland, M. (2014). *Case Studies and (Causal-) Process Tracing*, Palgrave Macmillan
- Chen, B. & Libgober, B. (2024). *Do Administrative Procedures Fix Cognitive Biases?*, Journal of Public Administration Research and Theory, 34(1), 105-121
[, https://doi.org/10.1093/jopart/muac054](https://doi.org/10.1093/jopart/muac054)
- Case, K. & Shiller, R. (2003). *Is There a Bubble in the Housing Market?*, Brookings Papers on Economic Activity
- Coase, R. (1998). *The New Institutional Economics*, The American Economic Review, 88(2), 72-74
[URL: https://www.jstor.org/stable/116895](https://www.jstor.org/stable/116895)
- Crowe, C. & Ariccia, G. & Igan, D. & Rabanal, P. (2013). *How to Deal with Real Estate Booms: Lessons from Country Experiences*, Journal of Financial Stability, 9(3), 300-319
<https://doi.org/10.1016/j.jfs.2013.05.003>
- Dye, T. (2016). *Understanding Public Policy* (15th ed.), Pearson
- Dye, T. (1972). *Understanding Public Policy*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- European Commission (2012). *Taxation of housing, Quarterly Report on the Euro Area*, Directorate General Economic and Financial Affairs (DG ECFIN), European Commission, 11(4), 25-30
https://ec.europa.eu/economy_finance/publications/qr_euro_area/2015/qrea1_en.htm
- Furlong, Scott R., Kraft, Michael E. (2020). *Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives* (7th ed), CQ Press;
- Greif, A. (1998). *Historical and Comparative Institutional Analysis*, The American Economic Review, 1998, 88(2), 80-84
<https://www.jstor.org/stable/i300821>
- Girardin, E. & Joyeux, R. (2022). *Testing for real estate bubbles*, in: Charles Ka Yui Leung (eds), *Handbook of Real Estate and Macroeconomics*, Edward Elgar Publishing
- Haffner, M. & Elsinga, M. & Hoekstra, J. (2012). *Access and Affordability: Rent Regulation*, International Encyclopedia of Housing and Home, pp. 40-45

- Halpern, SD., & Truog RD. & Miller, FG. (2020). *Cognitive Bias and Public Health Policy During the COVID-19 Pandemic*. JAMA, 24(4), 337-338.
[. doi:10.1001/jama.2020.11623](https://doi.org/10.1001/jama.2020.11623)
- Hansen, P. (2018). *The concepts of nudge and nudging in behavioural public policy*, in: Holger Strabheim, Silke Beck, (ed), *Handbook of Behavioural Change and Public Policy*, Edward Elgar Publishing
- Hartwell, C. A. (2022). *The Limits of Institutions and the Reliance on Heuristics during the COVID-19 Pandemic*, Journal of Applied Social Science, 16(2), 419-441
<https://doi.org/10.1177/19367244221077410>
- Harvard Joint Center for Housing Studies, (2020), *America's Rental Housing 2020*, Harvard Joint Center for Housing Studies,
- Hoek-Smit, M. C. (2009). *Housing Finance Subsidies*, in: Loic Chiquier, Michael Lea (eds), *Housing Finance Policy in Emerging Markets*, World Bank
- Howlett, M., & Cashore, B. (2020). *Public policy: definitions and approaches*, in: Giliberto Capano, Michael Howlett, (eds), *A Modern Guide to Public Policy*, Edward Elgar Publishing
- Howlett, M., & Ramesh, M., & Perl, Anthony. (2020), *Studying Public Policy Principles and Processes*, Oxford university Press
- Jenkins, W. I. (1978). *Policy Analysis: A Political and Organizational Perspective*, London: Martin Robertson.
- Kahneman, D. (2011). *Thinking, Fast and Slow*, Farrar
- Lin, J. Y. (2012). *New Structural Economics: A Framework for Rethinking Development and Policy*, The World Bank
- Lind, H. (2009). *Price Bubbles In Housing Markets: Concept, Theory and Indicators*, International Journal of Housing Markets and Analysis, 2 (1): 78-90
<https://doi.org/10.1108/17538270910939574>
- Menard, C., & Shirley, M. M. (2023), *Advanced Introduction to New Institutional Economics*, Edward Elgar Publishing
- Mullainathan, S., & Thaler, R. H. (2000). *Behavioral economics*, National Bureau of Economic Research, working paper 7948
<https://ssrn.com/abstract=245733>
- North, D. C. (2000). *The New Institutional Economics and Third World Development*, in: John Harriss, Janet Hunter and Colin M. Lewis (eds), *The New Institutional Economics and Third World Development*, Routledge
- North, D. C. (1994). *Economic Performance Through Time*, The American Economic Review, 84(3), 359-368
<https://www.jstor.org/stable/2118057>
- North, D. C. & Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009a). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge University Press
- North, Douglass C, Wallis, John Joseph, Weingast, Barry R. (2009b), *violence and the rise of open-access orders*, Journal of Democracy, 20(1), 55-68
[DOI:10.1353/jod.0.0060](https://doi.org/10.1353/jod.0.0060)
- OECD (2025), "Indicator HC1.1. Housing-related expenditure of households," OECD Affordable Housing Database
- OECD (2022), *Housing Taxation in OECD Countries*, OECD Publishing,
- OECD, (2021), *Policy Instruments And Level Of Governance*, OECD Publishing,
- OECD (2019), *Health at a Glance 2019: OECD INDICATORS*, OECD Publishing,

- Pawson, H., & Milligan, V., & Yates, Judith, (2020), Housing Policy in Australia: A Case for System Reform
- Robinson, J. A. (1999). When Is a State Predatory?, Center for Economic Studies, University of Munich, Working Paper No. 178
<https://ssrn.com/abstract=273022>
- Simon, H. A. (1955). A Behavioral Model of Rational Choice, Quarterly Journal of Economics, 69 (1): 99-118
<https://doi.org/10.2307/1884852>
- Sunstein, C. R. (2017). Nudges That Fail. Behavioural Public Policy, 1(01), 4-25.
- Thaler, R. H. (2016), Behavioral Economics: Past, Present, and Future, American Economic Review, 106(7), 1577-1600.
DOI: [10.1257/aer.106.7.1577](https://doi.org/10.1257/aer.106.7.1577)
- Thaler, R.H. and C.R. Sunstein (2008), Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth, and Happiness, Revised and Expanded Edition, Penguin Books.
- Todaro, Michael P, Smith, Stephen C, (2015), Economic Development (12nd ed), Prentice Hall
- Tversky, Amos and Kahneman, Daniel, (1974), Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases, Science, 185(4157), 1124-31.
DOI: [10.1126/science.185.4157.1124](https://doi.org/10.1126/science.185.4157.1124)
- World Bank, (2019), Behavioral Science Around The World Profiles Of 10 Countries
- World Bank, (2007), Public Ends, Private Means Strategic Purchasing of Health Services, World Bank Publications

In Persian

- Abdoli G., & Varharami V. (2011) The Role of Asymmetric Information in Induced Demands: A Case Study of Medical Services. Jha, 14 (43) :37-42
- Dadgar, Y. , Dargahi, H. and Gholizadeh, S. (2023). The Role of Investor Sentiment and Government Behaviour in Volatility of Tehran Stock Exchange Market: A Behavioural Economics Approach. Applied Theories of Economics, 10(1), 191-214.
- Ghasemi, A., & Ghadermarzi, H. (2016). Housing Policies of World Trade and Iran, Tehran, Jahad Daneshgahi Publications.
- Hamidi Parsa, H., & Elahi, N., & Rezaei, M., & Jafari, M. (2023). Economic Analysis Of Iran', S Health System Transformation Plan Using The Structural Break Tests. Qom University Of Medical Sciences Journal, 16(11), 890-901.
- Levitsky, S., & Ziblatt, Danie, (2019), How democracies die, Translated by Siamak Delara, Azam Varshochifard, Tehran, Parse Book Publishing House
- Meshkini, Abolfazl, Shahrokhifar, Zeinab, (1400), Housing Policy Making in Iran, Academic Publications
- . Mosadeghrad A M, Isfahani P. Reasons for Induced Demand in the Health System: A Scoping Review. payavard 2023; 17 (3) :229-244
- Nosratinejad F, Basakha M, Sonboli F. (2021). Examining Health Related Policies in Development Plans (1 to 6) within the framework of Social Policy. refahj. 20(79), 195-226
- Parliamentary Research Center, (1401), Health in the Seventh Development Plan; The necessity of paying attention to transparency in order to manage conflict of interest, Tehran, Parliamentary Research Center

- Parliamentary Research Center, (1401), Pathology of the laws of the first to sixth development plans in the field of health, Tehran, Parliamentary Research Center,
- Parliamentary Research Center, (2017), A look at the trend of health costs in Iran and the world and how to manage them, Tehran ,Parliamentary Research Center
- Parliamentary Research Center, (2012), General evaluation of the Parliamentary Research Center of development programs in the years after the revolution,, Tehran ,Parliamentary Research Center
- Pouralimardan, M., Asgari, H. (2023). Bias in Wages and Time Preferences (An Application of Behavioral Economics). Iranian Journal of Economic Research, 27 (93), 209-256
- Thissen, Wil A.& Walker, Warren E,(2013), Public Policy Analysis : New Developments, Translated by Hassan Danaeifard, Hanieh Ahmadi, Tehran, Saffar Publications